

ویژگی‌ها و فضایل ام البنین علیها السلام

زهرا زحمتکش*

تاریخ پذیرش ۱۳۹۶/۰۲/۱۲

تاریخ دریافت ۱۳۹۵/۱۱/۱۰

چکیده

ام البنین علیها السلام مادر حضرت عباس علیه السلام، یکی از مادران برجسته تاریخ است که زندگی او مآمال از عشق به ولایت و امامت بود. این بانوی با فضیلت و آگاه به زمان خویش، از جمله کسانی بود که از حریم حسینی دفاع می‌کرد و مجلس عزای شهید کربلا را برپا می‌داشت. صفات و ویژگی‌های فردی ایشان شامل: فضایل اخلاقی، کمالات انسانی، نیروی ایمانی، شکیبایی، بصیرت و... او را به شایستگی، در خانه امامت، بانوی بانوان کرده بود. ام البنین علیها السلام با معرفتی که به مقام اهل بیت علیهم السلام داشت، فرزندان هم‌چون حضرت ابوالفضل علیه السلام را در دامن خود پرورش داد که تا آخرین لحظات زندگی خویش دست از ولایت نکشیده‌اند. در این مقاله ویژگی‌هایی چون وفاداری، ادب، ولایت دوستی و ولایت‌پذیری، شجاعت، صبر، سخنوری و شاعری، علم و دانایی که بخشی از فضایل ام البنین علیها السلام است بررسی می‌شود. روش مورد استفاده برای انجام این پژوهش از نوع روش تحقیق تاریخی-توصیفی و روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: ام البنین علیها السلام، عاشورا، ویژگی‌ها و فضایل.

۱. مدرس جامعة المصطفی العالمیة نمایندگی مشهد، کارشناسی ارشد رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی و نویسنده مسئول (z.zahmatkesh1@yahoo.com)

در تاریخ صدر اسلام، زنان بسیاری بودند که پا به پای مردان و گاه جلوتر از آنان رسالت انسان ساز خویش را ایفا می‌کردند. آنان افزون بر انجام فعالیت‌های معمول در خانه، در سنگراجتماع نیز در دفاع از ارزش‌های اسلامی به جان فشانی می‌پرداختند. از این رو شناساندن الگوهای موفق و اسوه‌های فکری و عملی زنان کوشا در تاریخ اسلام، اهمیت والایی دارد و باید به شناسایی اسوه‌های دانایی، ایمان و فضیلت همت گماشت.

در این میان ام‌البنین علیها السلام، مادر حضرت عباس علیه السلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. به گونه‌ای که نام عباس علیه السلام را بدون نام مادرش ام‌البنین علیها السلام نمی‌توان در ذهن تصور کرد. نام ام‌البنین یادآور عظمت عباس و درخشندگی سیمای اباالفضل است. نام او خلاصه‌گذشت، ادب، فداکاری، غیرت، محبت و ولایت‌پذیری بوده است. بنابراین بررسی و شناخت ویژگی‌ها و فضایل ام‌البنین به عنوان فرضیه پژوهش پیش روست. براساس این فرضیه سؤالاتی مطرح می‌شود ام‌البنین از چه خاندانی بوده است؟ دوران زندگانی ام‌البنین علیها السلام با امیرالمؤمنان علی علیه السلام چگونه بوده است؟ زندگانی ام‌البنین بعد از شهادت امیرالمؤمنان علیه السلام و همچنین بعد از واقعه عاشورا چگونه بوده است؟ و اینکه این بانوی بزرگوار در زنده نگاه داشتن یاد و خاطره عاشورا چه اهدافی داشته است؟

از آن جایی که حضرت ام‌البنین علیها السلام نزد مسلمانان و شیعیان منزلتی والا دارد، کرامت‌هایی از ایشان نقل کرده‌اند که در پایان مقاله به چند نمونه پرداخته شده است. بدون هیچ شک و تردیدی ام‌البنین از ابواب الهی و از برجسته‌ترین بانوان تاریخ است، اما متأسفانه تاریخ‌نگاران و راویان، از پیگیری جزئیات زندگانی بانویی که به تنهایی «یک امت» و «مدرسه‌ای فراگیر» برای همه نسل‌ها بود غفلت ورزیده‌اند. این مقاله تلاش دارد تا این خلارا پر کند و اداء دینی نسبت به آن بانوی ادب بنماید. از آنجا که همسران اهل بیت علیهم السلام از جایگاه رفیعی برخوردارند و از الگوهای یک جامعه به‌شمار می‌آیند، شایسته است یاد و آثارشان در میان مردم زنده بماند تا نسل‌های بعد جایگاه بلند آنان را و آثار ارزنده که همانا پرورش وجود فرزندان پاک می‌باشد به عنوان یک فرهنگ عمومی در



آید و به دست فراموشی سپرده نشود. بررسی زندگی این مادران، می‌تواند برای همه انسان‌ها و در همه اعصار، به ویژه برای بانوان و مادران مسلمان و حتی غیرمسلمان الگویی کامل و مناسب بوده و به کارگیری خصوصیات اخلاقی، در رفتارهای اجتماعی و خانوادگی آنها بسیار تأثیرگذار و سرنوشت‌ساز باشد. البته در یک تکاپوی تاریخی در می‌یابیم که هرکدام از آنها از نظر ایمان و اخلاق از برترین زنان زمان خویش به حساب می‌آمده‌اند. این بزرگواران به دلیل آنکه میزبانی و مربی مردان الهی و پیشوایان دینی و سیاسی بوده‌اند، در میان دیگر زنان از اهمیت بیشتری برخوردارند.

نسب ام‌البنین علیها السلام

پیشینه و اصالت خانوادگی، شاخص مهمی در برقراری پیوندها و رابطه‌ها در میان افراد و خانواده‌هاست؛ به دلیل این‌که شاخص‌های رفتاری، غریزی و تربیتی افراد را باید در پیشینه خانواده‌ها جست. هرچه خانواده‌ای، شاخص‌های اخلاقی و رفتاری والاتری داشته باشد، نشان‌دهنده اصالت آن خانواده است. اصالت خانوادگی در گذشته نیز حساس و مهم بوده است و هر خانواده و قبیله و طایفه‌ای که ویژگی‌های اخلاقی و جسمانی برجسته‌تری داشت، به خود می‌بالید. این موضوع در میان عرب‌ها، بسیار مهم بود و به صورت افراطی در مورد آن حساسیت نشان می‌دادند. البته با آمدن اسلام، این احساسات تا اندازه‌ای به شکل درست هدایت شد. حضرت ام‌البنین علیها السلام از خاندان و طایفه‌ای است که به شهامت، رشادت و شجاعت و ویژگی‌های نیکوی اخلاقی مشهور بودند. و همین موضوع در ازدواج علی علیه السلام با ام‌البنین علیها السلام تأثیرگذار بود. (مسعودی، ۱۳۷۴: ج ۲، ۶۷؛ طبری، بی‌تا: ج ۲، ۴۴۰؛ ابوفداء، بی‌تا: ج ۱، ۱۸۱؛ ابن وردی، ۱۳۸۹: ج ۱، ۲۲۰).

نسب پدری ام‌البنین علیها السلام چنین است: ام‌البنین علیها السلام دختر حزام بن خالد بن ربیعه بن وحید... بکر بن هوازن. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵، ۳۷؛ اصفهانی، ۱۳۷۲: ق ۸۷) نسب مادری نیز به قرار زیر است: ام‌البنین علیها السلام دختر ثمامه از خاندان سهل بن عامر بن مالک بن حفص بن کلاب. (عبد الامیر الانصاری، ۱۳۷۵: ۱۵). بدین ترتیب، ام‌البنین علیها السلام از شعبه بزرگ مُصْر و از بطن عامر و از خاندان کلاب است.

ولادت

پنج سال از هجرت رسول اکرم ﷺ به مدینه می‌گذشت؛ سالی که برای پیامبر و یارانش در مدینه بسیار سخت بود؛ سالی که لشکر قریش برای زدودن اسلام به سوی مدینه گسیل شدند و قهرمان کفر، عمر بن عبدود با ضربه علی علیه السلام به هلاکت رسید. در همین سال در بخش جنوبی شهر مکه، در طایفه هوازن، در میان قبیله نام‌آور کلاب و در خانه جزام بن خالد، همه چشم به راه تولد نوزادی بودند؛ نوزادی که مقدر بود در آینده، به همسری قهرمان ایمان و عدالت - علی علیه السلام - درآید. متأسفانه تاریخ دقیق ولادت این بانوی بزرگوار مشخص نیست. زنی که سراسر زندگی اش مملو از ارزش و آرمان‌های بلند و مواضع عزتمند بود. اینجاست که باید پرسید: چه شد موعظه‌ها، دانش‌ها و قهرمانی‌ها و جهاد و صبر و مقاومت زنی که بخشی از حیاتش را در بیت امامت سپری کرد؟! و این به راستی که دردناک است. به هر صورت شاید بتوانیم به تاریخ ولادت او دست یابیم، آن هم از طریق ولادت فرزند ارشدش، قمر بنی‌هاشم که مورخان آن را سال ۲۶ هجری نوشته‌اند و عمر شریفش به هنگام شهادت در سرزمین کربلا، حسب روایت طبرسی در کتاب خود (اعلام الوری)، ۳۴ یا ۳۸ سال بوده است. (طبرسی، ۱۴۱۷ق: ۱۵۶).

ضمن این که همه می‌دانند واقعه عاشورا به سال ۶۱ ق. رخ داد. از اینها گذشته، وقتی امام علی علیه السلام، پس از شهادت حضرت فاطمه علیها السلام، از برادرش عقیل می‌خواهد زنی را به او معرفی کند که از تبار شجاعان و دلاوران باشد و همین کلام حضرت علی خود نشانگر آن است که «ام البنین» در آن دوران، دختری به سن بلوغ جنسی و عقلی رسیده بوده و لذا می‌توانست همسر آن حضرت باشد. روشن است اگر سن او زیر ۱۵ سال بود، عقیل از او یاد نمی‌کرد. به خصوص که او به علم انساب آشنایی کامل داشت و معقول آن بود که دختری را برای برادرش برگزیند که هم از نظر سن و سال و هم از جهت صلاحیت و شایستگی مناسب وی باش. همچنین بعید به نظر می‌رسد این وصلت بعد از سال ۲۶ هجری صورت گرفته باشد؛ چرا که فرزند برومندش، عباس در سال ۲۶ و یا ۲۳ هجری به دنیا آمده است.



علاوه براین، گمان نمی‌رود چنین دختری تا سن ۲۳ و یا ۲۴ سالگی، بدون شوهر مانده باشد؛ زیرا پسرش عباس در زمان شهادتش حدود ۳۴ سال داشت. بنابراین، ارجح آن است که سن او هنگام ازدواج با امیرمؤمنان علیه السلام ۱۷ تا ۲۱ سال باشد لذا می‌توان گفت که سن او در زمان به دنیا آوردن عباس حدود ۱۸ تا ۲۲ سال بوده و از این رهگذر، زمان تقریبی ولادت حضرت عباس را در سالهای بین ۵ و ۹ ق دانست. در این میان کسانی براین باورند که ام البنین در زمان واقعه عاشورا، حدود ۵۵ سال داشته است. اگر چنین باشد، می‌توان گفت زمان تولد عباس در سال ۶ ق. بوده است. در این صورت به نظر می‌رسد ام البنین یک سال از امام حسین علیه السلام کوچک تر بوده و آن حضرت در زمان ولادت عباس حدود ۱۸ الی ۲۲ سال داشته است. پس سال تولد ایشان را می‌توان بین سال‌های ۵ و ۹ هجری در نظر گرفت. (آقا جانی قناد، ۱۳۸۲: ۲۰)

ازدواج

هرچند علی علیه السلام پس از شهادت زهرا علیها السلام همسران دیگری نیز انتخاب کرد، ولی همیشه در پی همسری بود که از خاندان شجاعت و غیرت و فضیلت باشد. امام علی علیه السلام این امر را با برادرش عقیل در میان گذاشت. امام از او خواست دختری از طایفه‌های مشهور عرب را برایش برگزیند که به شجاعت و قهرمان‌پروری زبانزد باشند تا از او فرزندی رشید، دلیر و با شهامت پدید آید. عقیل که انساب عرب را خوب می‌شناخت. علی را به خاندان راهنمایی کرد و گفت: با ام البنین علیها السلام از طایفه کلاب ازدواج کن؛ زیرا در میان عرب، شجاع‌تر از پدران وی وجود ندارد. (مامقانی، ۱۳۵۰ ق: ج ۳، ۷۰؛ امین، ۱۴۰۳ ق: ج ۸، ۳۸۹؛ قمی، ۱۴۲۱ ق: ۳۰۲؛ کخاله، ۱۴۰۴ ق: ج ۱، ۲۴۲؛ دایرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۴۹۴).

بی‌تردید، تأکید امیرمؤمنان در انتخاب همسری شجاع و قهرمان‌پرور دو مطلب اساسی را نشان می‌دهد:

نکته اول نقش و اهمیتی است که همسر در شکوفایی فرزندان و نظام خانواده برعهده دارد. ویژگی‌های اخلاقی و ایمان پدر و مادر اگرچه تنها عنصر تشکیل دهنده ویژگی‌های

فرزند نیست، ولی بخش مهمی از تربیت فرزند بدان وابسته است. بر همین اساس، در اسلام ازدواج با افرادی که دارای بیماری‌های روحی، روانی و جسمی هستند، نهی شده است. در مقابل، ازدواج با دارندگان کمال و آراستگی پیشنهاد شده است.

نکته دوم این است که امام با آینده‌نگری، رویدادهای آینده را پیش‌بینی می‌کرده است. امام می‌دانست که در حماسه کربلا، حضور فرزندی رشید در کنار امام حسین علیه السلام و زینب کبری علیها السلام برای حمایت از دین خدا ضروری است تا حماسه عاشورا در صفحه تاریخ، ماندگارتر باشد.

او می‌بایست از پدری چون امیرمؤمنان و مادری شجاع و مهربان به دنیا آید؛ مادری که در ویژگی‌های فردی، نزدیک‌ترین شخص به زهرای اطهر علیها السلام باشد. هرچند امام همسران دیگری داشت، ولی هیچ‌یک توانایی پذیرش این امانت سنگین را نداشتند. آنان گرچه زنانی فاضل بودند، ولی نمی‌توانستند مادر حضرت عباس علیه السلام باشند. بدین گونه، منزلت و قدر فاطمه دختر حزام تجلی می‌یابد و تقدیر الهی، دست او را در دست بزرگ‌مرد تاریخ می‌گذارد و به مقامی می‌رسد که زنان دیگر به حال او غبطه می‌خورند. (آقاجانی قناد، ۱۳۸۲: ۲۴)

فرزندان

ثمره ازدواج امیرالمؤمنین علیه السلام با حضرت ام البنین علیها السلام چهار پسر رشید بود به نام‌های: عباس علیه السلام، جعفر، عبدالله، عثمان که به دلیل داشتن همین پسران، او را ام البنین، یعنی مادر پسران می‌خواندند. فرزندان ام البنین علیها السلام همگی در کربلا به شهادت رسیدند و نسل ایشان از طریق عبدالله فرزند حضرت ابوالفضل علیه السلام ادامه یافت. (جعفرزاده، ۱۳۹۴: ۴۷)

مقام ام البنین

الف) دیدگاه اهل بیت علیهم السلام

ام البنین علیها السلام از وقتی پا به خانه امام علی علیه السلام گذاشت، همواره خود را در خدمت فرزندان فاطمه علیها السلام می‌دید و عشق و محبت خود را نثار آنان می‌کرد؛ محبتی بی‌ریا و

خالصانه که تمام وجود او را در بر گرفته بود. او خدمت به فرزندان رسول خدا ﷺ و مادری کردن در حق ایشان را فرصت و توفیقی خدادادی در زندگی خویش می شمرد. از این رو، خود و فرزندانش مانند پروانه ای برگرد شمع وجود امام علی علیه السلام و یادگاران پیامبر ﷺ و فاطمه زهرا علیها السلام می گشتند و از نور ایشان پرفروغ می شدند. اهل بیت علیهم السلام نیز که سرچشمه های کرامت و فضیلت اند، همواره حق مادری ایشان را به جا آورده و پاس خدمت هایش را نگه داشته اند.

هر چند در تاریخ از اهل بیت علیهم السلام درباره او سخنی به طور مستقیم ثبت نشده، ولی آنچه به صورت غیرمستقیم رسیده است، برارجمندی و بلندی مقام او نزد اهل بیت علیهم السلام دلالت دارد. آنچه از امامان علیهم السلام درباره فضیلت ابا الفضل علیه السلام صادر گشته، در واقع تجلیل غیرمستقیم از ام البنین علیها السلام است. زینب کبرا - عقیله بنی هاشم و پیام آور کربلا - پس از ورود به مدینه، همواره مقام ام البنین علیها السلام را در نظر داشت و به وی احترام می گذاشت؛ به عیادت او می رفت و از او دلجویی می کرد (آقا جانی قناد، ۱۳۸۲: ۱۳).

ب) سخن بزرگان

بی شک، ام البنین علیها السلام که مظهر ایمان، شجاعت و عشق به ولایت است، از تمجید و ستایش دیگران بی نیاز است، ولی چون سخن بزرگان می تواند گوشه ای از زوایای وجودی آن بانوی بزرگ اسلام را بنمایاند، سخن این بزرگان و عالمان را می آوریم:

۱. عقیل بن ابی طالب؛ برادر امام علی علیه السلام و پدر بزرگوار مسلم بن عقیل است. وی عالم فرزانه و نسب شناس عرب بود و هموام البنین علیها السلام را به علی علیه السلام معرفی کرد. عقیل درباره خاندان ام البنین علیها السلام می گوید:

در میان عرب، شجاع تر از پدران ام البنین علیها السلام نبود. (ابن عنبر، ۱۳۶۲: ۳۵۷؛ مامقانی، ۱۳۵۰ق: ج ۲، ۱۲۸؛ امین، ۱۴۰۳ق: ج ۸، ۳۸۱؛ قمی، ۱۴۲۱ق: ۳۲۲)

۲. ابونصر، سهل بن عبدالله بخاری از عالمان قرن چهارم در کتابش *سَر السلسلة العلویة* می نویسد:

... و ام البنین علیها السلام پیش و پس از درگذشت آن حضرت (امیرمؤمنان) با کس

دیگری ازدواج نکرد. (بخاری، ۱۳۸۱ق، ۸۸)

۳. شیخ جعفر ربیع معروف به نقوی؛ فقیه و ادیب برجسته عرب زبان در عصر حاضر است. او در کتابش به نام زینب کبری می نویسد:

ام البنین علیها السلام از بانوان با فضیلت، خوش بیان، سخنور، پرهیزگار و اهل عبادت بود و حق اهل بیت علیهم السلام را به خوبی می شناخت. (ربعی (نقوی)، ۱۴۱۱ق: ۲۵)

۴. عالم فرهیخته، زین الدین عاملی معروف به شهید ثانی (وفات: ۹۶۵هـ.ق) نیز می نویسد:

ام البنین علیها السلام از بانوان با معرفت و پرفضیلت بود. نسبت به خاندان نبوت، محبت و دل بستگی خالص و بی اندازه داشت و خود را وقف خدمت به آنان کرده بود. خاندان نبوت نیز برای او جایگاه والایی قائل بودند و به او احترام ویژه می گذاشتند. در روزهای عید، به احترام او به محضرش می رفتند و به ایشان ادای احترام می کردند. (ربانی خلخالی، ۱۳۷۸: ۷)

۵. سید محسن امین در کتاب اعیان الشیعه می نگارد:

ام البنین علیها السلام شاعری خوش بیان و از خانواده ای اصیل و شجاع بود. (امین، ۱۴۰۳ق: ج ۸، ۳۸۹)

۶. علامه سید عبدالرزاق موسوی مقزم (وفات: ۱۳۹۱هـ.ق) می نویسد:

ام البنین علیها السلام از بانوان با فضیلت بود. وی حق اهل بیت علیهم السلام را خوب می شناخت و در محبت و دوستی با آنان خالص بود و ایشان نیز در میان آن بزرگوران، جایگاه بلند و مقام ارجمندی داشت. (المقزم، بی تا: ۷۲، عبدالامیر انصاری، ۱۳۷۵: ۳۸)

۷. علی محمد دخیل؛ نویسنده عرب زبان معاصر می نویسد:

بزرگواری این زن (ام البنین علیها السلام) هنگامی روشن می شود که بدانیم وقتی خبر شهادت فرزندانش را به او می دهند به آن توجه نمی کند، بلکه از سلامتی حضرت امام حسین علیه السلام می پرسد؛ گویی حسین علیه السلام فرزند او است نه آنان. (دخیل، ۱۴۰۱ق: ج ۱، ۳۲۵)



۸. علامه حاج شیخ باقر شریف قرشی؛ نویسنده کتاب عباس بن علی، رائد الکرامة در فضیلت حضرت ام البنین علیها السلام می نویسد:

در تاریخ دیده نشده است که زنی نسبت به فرزندان هووی خود محبتی خالصانه ورزد و آنان را بر فرزندان خویش پیش تر بدارد جز این بانوی پاک؛ یعنی ام البنین علیها السلام. (شریف القرشی، بی تا: ۲۳؛ عبدالامیر انصاری، ۱۳۷۵: ۳۸)

ویژگی های ام البنین علیها السلام

۱. وفاداری

وفا صفتی ارزنده و ستودنی است و در هر کسی باشد، او را گرامی و عزیز می گردانند. وفاداری و پای بندی به عهد و پیمان، فضیلتی بزرگ است که حتی در میان صفت های دیگر، خودنمایی می کند و منزلتی والا دارد؛ زیرا آراسته شدن به وفاداری و ملکه شدن آن در روح و روان آدمی، مستلزم پاکی و مراقبت همیشگی و پیروزی بر همه زشتی ها و وسوسه های شیطانی است.

اگر آنچه وفا به آن مربوط می شود، اسلام، امامان معصوم علیهم السلام و خاندان وحی باشند، صفت وفا ارزشی آسمانی به خود می گیرد. ام البنین علیها السلام در خاندانی پرورش یافت که وفاداری به ارزش های انسانی در آن فضیلتی ستیغ شمرده می شد. از این رو، این خوی خدایی با وجود او درآمیخت و ملکه وجودش گشت. ایشان نیز این صفت را در محضر مولا علی پروراند و در وجود فرزندانش جاری ساخت. ام البنین علیها السلام همچنان که در زندگانی علی علیه السلام و فرزندانش، کمال وفا را در حق آنان نگاه داشت، پس از شهادت امیرالمؤمنین نیز بر این وفاداری باقی ماند. بدین جهت، پس از شهادت جانشوز علی با هیچ مرد دیگری ازدواج نکرد. (ابن شهر آشوب، بی تا: ج ۳، ۳۰۵). همین حس ایمان و وفاداری در وجود ابا الفضل تجسم یافت؛ هنگامی که آب گوارا در کف داشت، به یاد لب تشنه بردار، آب را فرو ریخت. (مدرسی، ۱۳۸۲، ۱۵؛ سالکی، ۱۳۸۲: ۵۶).

۲. ادب

ام البنین علیها السلام که از دامان خاندانی ادب پرور و برخاسته بود، در محضر اسوه ادب - علی -

آن را بارور ساخت و الهی گردانید. او در پیشگاه خدا ادب بندگی را نگاه می‌داشت و نسبت به مردم فروتن بود؛ ولی بزرگ‌ترین نمود ادب او، در برابر علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و فرزندان معصوم آنان است. هنگامی که به خانه علی قدم نهاد، خود را نه به عنوان جانشین فاطمه علیها السلام، بلکه به عنوان خادم فرزندان فاطمه علیها السلام می‌دانست. با آنان به ادب رفتار می‌کرد و آنها را گرمی می‌داشت. عباس از این سرچشمه ادب، تربیت آموخت که بردارش حسین را همیشه یا سیدی یا ابا عبدالله خطاب می‌کرد و همواره ادب را در گفتار و رفتار خود نسبت به فرزندان زهرا نگاه می‌داشت. (الحائری، بی تا: ج ۱، ۴۴۳)

۳. ولایت دوستی و ولایت پذیری

عشق و محبت به ولایت با جان او آمیخته بود. او علی علیه السلام را نه تنها به عنوان همسر، بلکه به عنوان برادر رسول خدا و حجت خدا در میان مردم می‌دید و همسان به فرزندان معصوم او می‌نگریست. صفا و صمیمیت در محبت ایشان به مقام ولایت، موج می‌زد. هرگاه حسنین را بیمار می‌دید، دست مهربانی بر سرشان می‌کشید و همچون مادر از آنان پرستاری می‌کرد. با سخنان مهربانه اش، دل هایشان را آرامش می‌داد و در برابر آنان فروتنی می‌کرد. هرگاه با آنان روبه‌رو می‌شد، به ایشان لبخند می‌زد. (سویح، ۱۳۷۷: ق ۵۰).

هنگام وداع با پسرانش وقتی که همراه ابا عبدالله به سوی مکه و کربلا حرکت می‌کردند، با روی باز از آنان استقبال کرد. پاسداری از وجود حسین را به آنان سفارش فرمود و فداکاری در راه حسین را به آنان گوشزد کرد. (عبدالامیر انصاری، ۱۳۷۵: ۲۴). به راستی، برای او آسان بود که داغ جانسوز چهار فرزندش را ببیند، ولی حسین به سلامت باشد؛ پسرانش در راه حسین قطعه قطعه گردند، وی حسین بماند. از این رو، وقتی بشیر خبر شهادت شهیدان کربلا را آورد، ایشان نخست نه از فرزندانش، بلکه از حسین پرسید و سراغ حسین را گرفت و گفت: «فرزندم فدای حسین باد». (عبدالامیر انصاری، ۱۳۷۵: ۲۶).

۳. شجاعت و شهامت

دلیری و شجاعت صفتی است که وجودش در مردان، به آنان برتری و

بزرگی می‌بخشد. اگر این صفت در وجود زنی نهفته باشد که خود دارای کمال علمی و ادبی نیز هست، از او شخصیتی سرآمد و ممتاز می‌سازد. ام‌البنین علیها السلام از خانواده‌ای برخاسته بود که معدن شجاعت و سرچشمه رشادت و غیرت به‌شمار می‌آمدند. به همین دلیل، وقتی علی علیه السلام از عقیل در مورد همسری که فرزندی شجاع پیورود، راهنمایی خواست، او را به ام‌البنین علیها السلام که خاندانش همه از شجاعان و پهلوانان عرب بودند، راهنمایی کرد.

ام‌البنین علیها السلام این صفت خاندانش را به ارث برده بود. پس از شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش و شهادت عباس و دیگر فرزندان در بقیع حضور می‌یافت و عبیدالله فرزند خردسال عباس را نیز به همراه می‌برد. این روحیه، شهامت و شجاعت او در مقابل باطل نشان می‌دهد. به یقین، در آن فضای خفقان به بقیع آمدن و عزاداری کردن به گونه‌ای که مردم جمع شوند و با او هم ناله گردند (سماوی، ۱۳۷۷: ۵۶؛ طبری، بی‌تا: ج ۶، ۲۹۶؛ اصفهانی، ۱۳۷۲ق: ۸۵؛ سویج، ۱۳۷۷ق: ۷۰). عمل عاطفی صرف نیست، بلکه رنگ و بویی سیاسی دارد. در آن شرایط که یزیدیان از پیروزی موقت خود سرمست بودند و حتی مدینه را نیز در واقعه حرّه به خاک و خون کشیدند، این چنین خودنمایی و شجاعت، تنها از شیرزنی همچون ام‌البنین علیها السلام برمی‌آید که از آب‌شخور شجاعت سیراب گشته باشد. از دامن چنین مادری، عباس برخاست و با رشادت‌هایش در کربلا، دل اهل بیت علیهم السلام حسین را تسکین داد.

۴. صبر

در این جا به دو نمونه از موارد صبر و بردباری آن بانوی بزرگوار در مقابل مشکلات، اشاره می‌کنیم:

۱. مورخان نقل می‌کنند که روزی امیر مؤمنان، عباس علیه السلام را در دامان خود گذاشت، آستین‌هایش را بالا زد و امام در حالی که به شدت می‌گریست به بوسیدن بازوان عباس علیه السلام پرداخت. ام‌البنین حیرت زده از این صحنه، از امام پرسید: «چرا گریه می‌کنید؟»

حضرت با صدایی آرام و اندوه زده پاسخ داد: «به این دو دست نگرستم و آنچه را بر سرشان خواهد آمد، به یاد آوردم.»

امّ البنین شتابان و هراسان پرسید: «چه بر سر آنها خواهد آمد؟»

حضرت با آوایی مملوّ از غم و اندوه و تأثر فرمود: «آنها از ساعد قطع خواهند شد.»

این کلمات چون صاعقه‌ای بر امّ البنین فرود آمد و قلبش را ذوب کرد. سپس او با اضطراب و به سرعت پرسید: «چرا قطع می‌شوند؟» امام به او خبر داد که فرزندش در راه یاری اسلام و دفاع از برادرش، حافظ شریعت الهی و ریحانه رسول الله ﷺ دستانش قطع خواهد شد. امّ البنین به شدت گریست و زنان همراه او نیز در غم، رنج و اندوهش شریک شدند. (مقرم، ۱۳۶۹ق: ۱۹)

در این لحظه بود که امّ البنین عظمت و عمق ایمان خود را نشان داد و به دامن صبر و بردباری چنگ زد و خدای را سپاس گفت که فرزندش، فدایی سبط گرامی رسول خدا ﷺ و ریحانه او خواهد بود.

۲. جمله معروف او هنگام شنیدن خبر شهادت چهار فرزند خویش مقام صبر و تحمل این مادر را آشکار کرده و زینت بخش صفحات تاریخ کربلا شده است. با آنکه بشیر خیر شهادت حضرت ابوالفضل علیه السلام ۳۴ ساله، عبد الله ۲۴ ساله، عثمان ۲۱ ساله و جعفر ۱۹ ساله را به مادرشان می‌دهد، وی صبر و بردباری می‌کند و فقط از امام خود می‌پرسد. (کحاله، ۱۳۷۹ق: ۲۴۳).

۵. سخنوری و شاعری

سخنوری و شاعری، ویژگی‌هایی است که جامعه فخر برتن آدمی می‌پوشانند و هنری هستند که برای دارنده آن، مایه افتخار به شمار می‌آیند. سخنوری و شاعری در میان اعراب صدر اسلام نیز امتیاز برجسته‌ای به شمار می‌رفت. هر کس از این هنر والا بیش‌تر بهره داشت، بلند مرتبه‌تر و گرامی‌تر بود. همانگونه که گفته شد خاندان کلاب در میان عرب، به ویژگی‌های نیکویی همچون شجاعت، سخاوت، شاعری و سخنوری و... زبانزد بودند.

در میان قبيله کلاب از شاعران و سخنوران بزرگ بودند، علامه نقوی در کتاب زینب

کبری علیها السلام در این باره می نویسد: ام البنین علیها السلام از زنان فاضلی بود که به حق اهل بیت علیهم السلام شناخت کامل داشت. همچنین ایشان به شیوایی و رسایی سخن می گفت. (ربعی نقوی)، ۱۴۱۱ق: ۲۵).

عمر رضا کحّاله در اعلام النساء او را شاعری خوش بیان معرفی می کند. (کحّاله، ۱۴۰۴: ج ۴، ۴۰).

سید محسن امین نیز در اعیان الشیعه چنین می نویسد. (امین، ۱۴۰۳ق: ج ۸، ۳۸۱). او از این سخنوری و شاعری سود می برد و مردم را به دور خود در بقیع گرد می آورد و با هم نوحه سرایی می کردند.

۶. احساس مسئولیت مقابل دین خدا

یکی از دلایلی که باعث شد ام البنین علیها السلام در عشق به حسین بن علی علیه السلام ذوب شود و با تمام وجود پیرو اهل بیت علیهم السلام شود و به رفیع ترین درجات ایثار و فداکاری در این راه نایل آید و از خود و فرزندانش و هر آنچه دارد، شمع هایی بسازد تا گرد وجود نازنین ریحانه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و جگرگوشه بتول علیها السلام بسوزند و بسازند تا از او حمایت و دفاع کنند، احساس مسئولیت ام البنین در برابر اهل بیت علیهم السلام بود.

در همین راستا، حضرت امام جواد علیه السلام فرمود: «مؤمن به سه خصلت نیاز دارد: توفیق الهی، واعظ درونی و ناصح بیرونی.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۵، ۳۲۶).

باید گفت این بانوی گرامی (ام البنین) هر سه خصلت یاد شده را داشت؛ بدین معنی که او، هم از توفیق و مدد الهی در این مسیر بهره برد و هم از واعظ درونی در ارتباط با احساس مسئولیت نسبت به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برخوردار شد و هم از ارشاد و راهنمایی های همسرش، علی بن ابی طالب علیه السلام، به عنوان ناصح بیرونی استفاده کرد و با این خصلت ها برتر از دیگر زنان شد. (الزهیر الجعفری، ۱۳۸۶: ۴۹)

۷. علم و دانایی

زندگانی ام البنین همواره با بصیرت و نور دانش همراه بوده است و این ویژگی والا در جای جای کتب تاریخی ذکر شده است و ما را با عظمت این بانوی عالمه و فاضله آشنا

می سازد. علاقه ام البنین به اهل بیت علیهم السلام و بصیرت دینی او به امامت به قدری بود که درباره او می نویسند: «برای عظمت و معرفت و بصیرت ام البنین کافی است که او هرگاه بر امیرالمؤمنین وارد می شد و حسنین مریض بودند با ملاطفت و مهربانی با آنها صحبت می کرد و از صمیم قلب با آنها برخورد می کرد چونان مادری مهربان و دلسوز، علم سرشار وی در کلام او و فرزند بزرگوارش عباس نمایان بود. او از محدثات شیعه است و فرزندان خود را با علم و دانایی تربیت کرد. اگرچه آنان فرزندان «باب علم نبی» بودند اما از دانش مادری هم بی بهره نبودند چنان که حضرت علی علیه السلام در مورد عباس می فرماید: «همانا فرزندم عباس در کودکی علم آموخت و به سان نوزاد کبوتر که از مادرش آب و غذا می گیرد از من معارف را فرا گرفت» ام البنین علیها السلام که خود از دانش و فضیلت مایه داشت، در خانه علی نیز از کمالاتی علوی سرشار گشت، به گونه ای که همه آنانی که از ام البنین علیها السلام نامی برده اند، وی را به فضل و کمال و علم ستوده اند. از این رو، عشق و علاقه او نسبت به اهل بیت علیهم السلام و علی تنها در روابط عاطفی نبود، بلکه از آگاهی و شناخت وی نسبت به آنان سرچشمه می گرفت.

برخی افراد مانند سید مهدی سویج در کتاب ام البنین علیها السلام سیده نساء العرب در بیان فضل و دانش او، ایشان را با جناب زینب کبری علیها السلام البته در سطح پایین تر مقایسه می کند و او را به صفت عالمه می ستاید. این ویژگی آشکارا درباره هیچ کس جز زینب کبری گفته نشده است. (سویج، ۱۳۷۷ ق: ۵۱).

این نویسنده از کتاب معالی السبطین و کنز المصائب نقل می کند که حضرت عباس علم خود را در کودکی از محضر پدر و مادرش (ام البنین علیها السلام) آموخته است. (الحائری، بی تا: ج ۱، ۳۱). از این رو، صفت عالمه را برای او، سخن آن حضرت دانسته است.

۸. پاسداشت نهضت عاشورا

سنگینی مصیبت امام حسین علیه السلام و لزوم پاسداری از نهضت عاشورا و رساندن پیام آن به آیندگان اقتضا می کرد که بازماندگان و وابستگان این حادثه، آن را با هر روش ممکن زنده نگاه دارند. یکی از این راه ها، برپایی مراسم سوگواری و عزای عمومی بود.

ام البنین علیها السلام یکی از کسانی بود که این وظیفه مهم را برعهده گرفت و آن را به انجام رسانید. از ویژگی‌های بسیار مهم ایشان ام البنین، توجه به زمان و مسائل مربوط به آن است. وی پس از واقعه عاشورا، از مرثیه خوانی و نوحه سرایی استفاده کرده تا ندای مظلومیت کربلاییان را به گوش نسل‌های آینده برساند. بی‌شک، این موضوع افزون بر بار سیاسی، بار عاطفی نیز داشته است. همانگونه که اشاره شد، ام البنین علیها السلام سخنوری توانا و شاعری خوش بیان بود. (کحاله، ۱۴۰۴ق: ج ۴، ۴۰؛ امین، ۱۴۰۳ق: ج ۸، ۳۸۹). وی به همراه فرزند عباس - عبیدالله - در بقیع حاضر می‌شد و بر شهیدان کربلا نوحه سرایی می‌کرد. (اصفهانی، ۱۳۷۲ق: ۹۰).

نویسنده کتاب ابصارالعین، شعرزیر را از شرح‌الکامل ابوالحسن اخفش نقل می‌کند و آن را از سروده‌های ام البنین علیها السلام در ماتم فرزندش (عباس) می‌داند:

يَا مَنْ رَأَى الْعَبَّاسَ كَـ رَّعْلَى جَماهير النَّقَدِ
 وَوَرَاهُ مِنْ ابْنَاءِ حَيْبِـ دَر كَلِّ لَيْثَ ذِي لُبِّدِ
 أَنْبِئْتُ أَنَّ ابْنِي أُصِيبَ بِرَأْسِهِ مَقْطُوعٌ يَدِ
 وَيَلِي عَلِيَّ شِبْلِي أَمَا لَ بَرَأْسِهِ صَرَبُ الْعَمَدِ
 لَوْ كَانَ سَيْفُهُ فِي يَدَيْهِ لَمَادَنَّا مِنْهُ أَحَدِ

(سماوی، ۱۳۴۱ق: ۶۴؛ امین، ۱۴۰۳ق: ج ۸، ۳۸۹؛ شبّر، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ۷۱؛ ربیعی (نقوی)، ۱۴۱۱ق: ۲۶؛ امین، ۱۳۹۸ق: ۱۱۴؛ محلاتی، ۱۳۶۸ق: ج ۳، ۲۹۴).

ای کسانی که حمله جانانه عباس علیها السلام را برگله‌های گوسفند دیدید و نیز در پی او، فرزندان حیدر را که هر کدام شیری هستند که دست از یاری‌اش بر نمی‌دارند. آه! به من خبر داده‌اند که بر سر فرزندم عباس، عمود آهنین زدند، درحالی‌که دست در بدن نداشته است. وای بر من! که بر سر فرزندم عمود فرود آمد. اگر فرزندم عباس علیها السلام، دست در تن و شمشیر در کف داشت، چه کسی را یارای آن بود که به او نزدیک شود؟

بدین سان ام البنین علیها السلام برای حسین علیها السلام و فرزندانش عزاداری می‌کرد و حتی فرزند خردسال عباس علیها السلام را نیز به همراه می‌برد. او چنان سوگمندانه نوحه سر می‌داد که همگان را به گریه وامی‌داشت. درباره درست بودن اسناد این اشعار به ام البنین علیها السلام،

باید گفت: به یقین بنا بر آنچه گفته شد ام البنین علیها السلام در هنگامه عاشورا زنده بود و به بقیع نیز آمده است. البته درباره اینکه اشعار یاد شده را او سروده باشد، سند محکمی در دست نیست.

گفتنی است ابیات دیگری را نیز به ام البنین علیها السلام نسبت داده‌اند، مانند این موارد:

لا تدعوتی ویک ام البنین تُذکرینی بلیوث العرین
 کانت بنون لى ادعى بهم والیوم اصبحت ولا من بنین
 اربعة مثل نُسور الربی قد واصلوا الموت بقطع الوتین
 تنازع الحرصان اشلائهم فکالهم امسوا صریعاً طعین
 یالیث شعربی اکما اخبروا بان عباساً مقطوع الیدین

(سماوی، ۱۳۴۱ق: ۶۴؛ امین، ۱۳۹۸ق: ۱۱۴؛ امین، ۱۴۰۳ق:

ج ۸، ۳۸۹؛ شبّر، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ۷۱؛ الحائری، بی تا: ۴۳۲).

ای زنان مدینه! دیگر مرا ام البنین علیها السلام مخوانید و مادر شیران شکاری ندانید. من فرزندانی داشتم که به سبب آنها مرا ام البنین علیها السلام می‌گفتند، ولی اکنون دیگر برای من فرزندی نمانده و همه را از دست داده‌ام. ام البنین علیها السلام با این حرکت پرشور خود به بیان حماسه عاشورا و دلیری و شجاعت فرزندان خود، نمایانندن مظلومیت حق و حقیقت، بازگو کردن تاریخ کربلا و اعتراض به حکومت جابرانه و ظالمانه یزید و امویان دست زد.

ام البنین علیها السلام و سفر امام حسین علیه السلام

با مرگ معاویه در سال ۶۰ هـ.ق و به تخت نشستن یزید، ولید بن عُتبه به دستور او کوشید تا حسین بن علی علیه السلام را به بیعت با خود وادارد، ولی امام حسین علیه السلام تسلیم نشد. او اسلام و همه تلاش‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و همه خون‌های شهیدان اسلام را با حکم‌رانی یزید برباد رفته می‌دید. از این رو، به نشانه سرپیچی از بیعت با یزید، به مکه هجرت کرد پس از آنکه امام حسین علیه السلام مسلم بن عقیل را به کوفه فرستاد و او آمادگی اهل کوفه را به امام اعلام داشت، ایشان تصمیم گرفتن به سوی کوفه حرکت کند. این تصمیم،

با رسیدن خبرهایی مبنی بر قصد ترور امام در خانه کعبه به دست کارگزاران حکومت یزید همزمان شد. در نتیجه امام مکه را پیش از انجام مناسک حج به سوی کوفه ترک کرد. در این سفر، ام البنین علیها السلام با کاروان همراه نبود که این مسأله ممکن است به دلیل بیماری، سالخورده‌گی یا درخواست امام باشد. افزون بر این، به نظر می‌رسد هیچ‌یک از همسران امام علی علیه السلام و رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این سفر با آن حضرت نبوده‌اند. بنابراین، او در کنار کسانی مانند ام سلمه ماند.

لحظه وداع این مادر بزرگوار با فرزندان رشیدش، بسیار شورانگیز بود. مادری، چهار عزیز خود را در سفر به همراه حسین علیه السلام بدرقه می‌کرد. لحظه وداع دیدنی بود؛ فضا سراسر اشک و احساس و عاطفه بود. نخست فرزند کوچک تر به آغوش مادر رفت. ام البنین علیها السلام او را بویید و بوسید. سپس تک تک فرزندان با مادر خداحافظی کردند. آنگاه نوبت به عباس رسید. او بزرگ‌ترین و رشیدترین فرزندانش بود، ولی دل بریدن مادری مانند ام البنین علیها السلام از پسری همچون عباس بسیار سخت و سنگین می‌نمود. سرانجام پس از بارها بوسه زدن بر گونه‌های عباسش، سر او را بر سینه خود گذاشت و دستان او را در دستانش گرفت. لحظه‌ای به سیمای نورانی و زیبای او چشم دوخت و دوباره او را در آغوش فشرد. آنگاه نخست، سفارش برادرانش را به او کرد. سپس به عباس علیه السلام، جعفر، عبدالله و عثمان رو کرد و گفت: پسرانم! عزیزانم! چشم و دل مولایم حسین علیه السلام و فرمان بردار او باشید. (عبدالامیر الانصاری، ۱۳۷۵: ۲۴). شما فداییان حسینید. هرگز از او دست بردارید و تا آخرین قطره خونتان از او حمایت کنید. ام البنین علیها السلام این چنین، غمگینانه با فرزندانش و امام حسین علیه السلام و کاروانش خداحافظی کرد.

ام البنین علیها السلام پس از عاشورا

پس از آنکه نهضت عاشورا، در کربلا به خون نشست، کاروان عترت و پیام‌آوران شهادت پس از حضور افشاگرانه در کوفه و شام، به سوی مدینه حرکت داده شدند. وقتی کاروان به نزدیک مدینه رسید، امام سجاد به حرکت حماسی و سیاسی دیگری دست زد.

بشیر می‌گوید: وقتی به نزدیکی مدینه رسیدیم، امام علی بن الحسین علیه السلام فرود آمد. بار شترش را پایین آورد. چادرش را نصب کرد و فرمود: ای بشیر! خدا پدرت را رحمت کند. او شاعر خوبی بود. آیا تو نیز از شعر بهره‌ای داری؟ گفتم: آری! امام فرمود: به مدینه برو و خیر شهادت پدر و عزیزانم را به اهل مدینه برسان. (ابن طاووس، ۱۴۱۹ق: ۱۴۳).

مدینه به ظاهر آرام بود، ولی روزها بود که در انتظار شنیدن خبری دهشتناک به سر می‌برد. بشیر با شنیدن دستور ولی خدا، بر اسب سوار شد و با سرعت خود را به مدینه رساند. وارد مسجد النبی شد. صدا را به کریمه بلند کرد و با حالتی غمناک، با دو بیت شعر به انتظار تلخ اهل مدینه پایان داد:

یا اهل یثرب لا مقام لکم بها قتل الحسین فادمعی مدرار
الجسم منه بکربلاء مخرج والزأس منه علی القنائة یدار

(ابن طاووس، ۱۴۱۹ق: ۱۴۲).

- ای اهل مدینه! دیگر در مدینه نمانید؛ زیرا حسین علیه السلام کشته شد. پس فراوان اشک بریزید. بدن حسین علیه السلام در کربلا، در خاک و خون غلتید؛ در حالی که سرش بر بالای نیزه به این شهر و آن شهر برده می‌شد. با اعلام این خبر، مدینه یکپارچه در عزا و شیون نشست. زنان از خانه‌های خود بیرون آمدند، صورت هایشان را خراشیدند، فریاد ماتم سر دادند و بر مظلومیت حسین علیه السلام و یارانش گریستند.

در آن میانه شور و شیون، ام البنین علیها السلام، مادر شکیبا و صبور عباس، خود را به بشیر رساند و فرمود: «بشیر! از حسین علیه السلام برایم بگو». بشیر گفت: در سوگ چهار فرزند شجاعت به تو تسلیم می‌گویم. نگاه ام البنین علیها السلام به بشیر خیره شد و دوباره تکرار کرد: «بشیر: گفتم از حسینم چه خبر آوردی؟ حسینم چه شد؟ فرزندانم فدای حسین علیه السلام باد.» (مامقانی، ۱۳۵۰: ج ۲، ۱۲۸).

آری، برای ام البنین علیها السلام، وجود امام و مقتدایش از همه کس مقدم بود. آفرین برایین فضیلت و ایمان و مرحبا به این بزرگواری و وفا، او بار دیگر رو به بشیر کرد و گفت: اگر حسین زنده باشد، کشته شدن چهار فرزندم برایم آسان است. (شبر، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ۷۴؛ مامقانی، ۱۳۵۰: ج ۲، ۲۳۱).

ام البنین وزنده نگه داشتن یاد و خاطره عاشورا

ام البنین گریه و نوحه خوانی را وسیله و راهی برای فریاد زدن به مظلومیت امام حسین علیه السلام و اهل بیت برگزیده بود. او چنانکه اندکی پیش تر گذشت، عبیدالله فرزند حضرت عباس را با خود می برد و به بقیع می آمد و بر «کشته اشک ها»، اقامه ماتم می نمود. و با گریه ای حزن آور، بر فرزندان خویش می گریست. ام البنین حسرت و آرزوی آن را داشت که ای کاش او و فرزندانش و همه اهل زمین فدای امام حسین می شدند، اما امام زنده می بود. ام البنین از این حرکت چند هدف را در نظر داشت:

اول: اقامه عزاداری بر سرور شهیدان، ریحانه پیامبر، امام حسین، و بزرگداشت و تعظیم شعائر الهی.

دوم: برای مردم از شجاعت امام و فرزندانش و همچنین از مظلومیت شان پرده بردارد و با آنان بر تاریخ افتخار ورزد.

سوم: اتفاقات کربلا و ستم هایی که بر آل پیامبر وارد شد و فجایی که هر مخلوقی از آن شرم دارد را بیان کند. او این مهم را با این روش و در قالب گریه عاطفی بیان می کرد. و این چنین، اعتراض خویش به وضعیت موجود و حکومت طاغوت را اعلام می داشت.

چهارم: حاکمان ستمکار را رسوا می ساخت. حاکمانی که بر همه امور امت تسلط داشته، مردم را گمراه می نموده، در گذر زمان، حقیقت ها را وارونه می ساختند. پس ام البنین با این روش، حق و حقیقت را آشکار می کرد.

پنجم: مردم را علیه بنی امیه و گناهانشان برمی انگیخت و خونخواهی شهیدان اهل بیت را می کرد.

ششم: با آنکه مزار حضرت عباس و برادرانش در کربلا بود، اما ام البنین به بقیع می رفت تا مردم در آنجا گرد آیند و ستم هایی که بر امام حسن و حضرت فاطمه رفته بود، برایشان یادآوری شود و خاطرات مردمان با پیامبر در آن مکان را برایشان بازسازی نماید و آنان را از موضع گیری های مسلمانان صدر اسلام در دفاع از پیامبر و خاندانش، که هم اکنون در این مقبره مقدس جای گرفته بودند، آگاه سازد.

هفتم: او نوه اش عبیدالله بن عباس را با خود می آورد؛ به این خاطر که وی واقعه کربلا

حضور داشت. عبیدالله شاهدهی عینی و دلیل و برهانی زنده بود تا ماجرای کربلا را برای مردم و برای نسل‌های آینده، روایت کند و کودکان همسن و سال او و نیز مردان و زنان بزرگسال نزد او اجتماع کنند.

وفات ام‌البنین علیها السلام

سرانجام، زندگی سراسر فضیلت، مهر، عاطفه و مبارزه حضرت ام‌البنین علیها السلام، در حدود ده سال بعد از حادثه کربلا به پایان رسید. آن بانوی بزرگوار پس از حادثه جانسوز کربلا، بار رسالت سیاسی و اجتماعی خویش را در زنده نگه داشتن حماسه جاویدان عاشورای حسینی به زیباترین شکل ممکن به انجام رسانید تاریخ درگذشت این بانوی نامدار در هیچ یک از کتاب‌های معروف تاریخی و روایی نیامده است. سنّ وی در هنگام وفات نیز مشخص نشده است. در کتاب ستاره درخشان مدینه؛ حضرت ام‌البنین علیها السلام، سال وفات آن حضرت، سال ۷۰ هـ.ق آورده شده است، بی آنکه به مدرک معتبری استناد دهد. نویسنده کتاب سیده نساء العرب نیز با توضیحاتی، سال وفات ایشان را سال ۶۴ هـ.ق دانسته است.

سرانجام، زنی که عمری را در راه عشق به ولایت اهل بیت علیهم السلام گذراند، جام زندگانی جاویدان نوشید و از غم دنیا آسوده شد؛ بانویی که در زندگانی اش سراسر مهر و عاطفه و مبارزه بود؛ بانویی که همسر شهید، مادر شهید و یکی از پیام‌رسانان خونین عاشورا بود و همه چیز خود را در راه خدا، خالصانه تقدیم کرد. وی را در قبرستان بقیع و در کنار آرامگاه امام مجتبی، فاطمه بنت اسد، به خاک سپردند. سنّ او را در هنگام وفات می‌توان میان ۶۰ تا ۶۵ حدس زد. (آقاجانی قناد، ۱۳۸۲: ۳۷)

کرامت‌های ام‌البنین علیها السلام

حضرت ام‌البنین علیها السلام از زنان بزرگوار است که درگاهش پناهگاه بی‌کسان و ناامیدان است. از این‌رو، نزد مسلمانان و شیعیان و دل‌باختگان آل الله، منزلتی والا دارد و کرامت‌هایی از او نقل کرده‌اند که به چند نمونه بسنده می‌کنیم:

۱. آیت الله العظمی حاج سید محمود حسینی شاهرودی می فرمود:

من در سختی ها، صد مرتبه صلوات برای مادر حضرت عباس علیه السلام جناب ام البنین علیها السلام می فرستم و حاجت می گیرم. (ربانی خلخالی، ۱۳۷۸: ۱۴۰)

۲. آیت الله العظمی سید محمد شیرازی می فرمود:

شخصی در عالم مکاشفه، حضرت قمر بنی هاشم را می بیند و عرض می کند: آقا! من حاجتی دارم؛ به چه کسی متوسل شوم تا حاجتم روا شود؟ حضرت می فرماید: به مادرم ام البنین علیها السلام. (ربانی خلخالی، ۱۳۷۸: ۱۴۲)

نویسنده کتاب ام البنین علیها السلام؛ نماد از خودگذشتگی می نویسد:

خانواده ای ترک زبان و حنفی مذهب به محله ما آمده بودند در میان آنان خانمی بود به نام وزیره که ده سال از ازدواجش می گذشت، ولی هنوز بچه دار نشده بود. اهل محل به او گفتند: چرا به حضرت ام البنین علیها السلام متوسل نمی شوی؟ گفت: این کار سودی ندارد. به او گفتند: هرکس از غذای سفره ام البنین علیها السلام بخورد او را در پیشگاه خدا واسطه قرار دهد، خداوند دعایش را می پذیرد. تونیز چنین کن، شاید خداوند دختری به تو عطا کند و به مبارکی ام البنین علیها السلام، نام او را فاطمه بگذاری. او گفت: می پذیرم به شرط آنکه این مطلب میان من و شما باشد و شوهر و خانواده ام از آن آگاه نشوند.

فردا وزیره با نگرانی و هراس، درحالی که صورت خود را با مقنعه ای پوشانده بود، به مجلس روضه ای در منزل حاجیه ام عبدالامیر آمد. نخستین مرحله از ذکر مصیبت ام البنین علیها السلام پایان رفته بود و ناله و گریه زن ها بلند بود. با دیدن حالت گریه زنان، دل وزیره نیز شکست و غم هایش افزونی یافت. روضه خوان پس از شرحی درباره فضایل ام البنین علیها السلام، برای بهبودی بیماران دعا کرد. آنگاه سفره ام البنین علیها السلام پهن شد. وزیره، کمی از خوراکی ها را برداشت و درحالی که اشک هایش جاری بود، از منزل خارج شد. او و شوهرش آن غذای متبرک را خوردند.

یک ماه پس از این رویداد، رنگ چهره وزیره به زدی می گرایید، به گونه ای که کارهایش را به سختی انجام می داد. شوهرش او را نزد پزشک برد. پزشک

می‌گوید: ناراحتی‌های او نشانه بارداری است. دوران بارداری گذشت و او دختری به دنیا آورد؛ دختری به دنیا آورد؛ دختری که مانند شمعی به خانه تاریک آنان روشنی بخشید. وزیر می‌خواست برای تبرک به نام ام‌البنین علیها السلام نام نوزاد را فاطمه بگذارد، ولی خویشاوندان شوهرش مخالفت کردند و نام نوزاد را بشری گذاشتند و وزیر به خاطر سوگندی که یاد کرده بود، کفاره پرداخت. (عبدالامیر الانصاری، ۱۳۷۵: ۴۲)

بعد از درگذشت همسر اول آمدن همسر دوم در خانه معمولاً با درگیری‌ها، بگو مگوها و تبعیض‌هایی میان همسر دوم و فرزندان همسر اول همراه است. این درحالی است که آمدن ام‌البنین علیها السلام در خانه امام علی علیه السلام نه تنها اختلافی ایجاد نکرد، بلکه بر مهربانی در خانه و همدلی افراد خانواده افزود.

دخیلک یا ام البنین

در ماه ذی حجه سال ۱۴۱۵ قمری شخصی به نام «عبدالحسین» همراه خانواده و فرزندان از یک سفر تفریحی که خارج از بغداد گذرانده بودند، برمی‌گشت و در حال حرکت به سوی منزلشان بودند که ناگهان در میان راه، ماشین از کار افتاد. عبدالحسین هرچه تلاش می‌کند، نمی‌تواند علت از کار افتادن ماشین را پیدا کند. متأسفانه خیابان نیز از عبور و مرور خالی شده و امکان کمک گرفتن از دیگران وجود نداشته است. عبدالحسین متحیر و سرگردان ایستاده و همسرش نیز به علت تاریکی جاده و عدم رفت و آمد ماشین‌ها دچار ترس و وحشت می‌شود. در این اثنا همسرش از خداوند درخواست کرد به پاس حرمت ام‌البنین که کرامات او بر زبان گویندگان جاری است، به آنها عنایت نموده، برای راه افتادن ماشین کمکی به آنها برساند. ناگهان مردی از راه می‌رسد و عبدالحسین با این تصور که شاید از وضعیت ماشین و تعمیر آن اطلاعی داشته باشد، به سراغ آن مرد می‌رود. مرد می‌گوید هیچ مانعی ندارد و مشغول بررسی و تفحص می‌شود. اما نتیجه‌ای نمی‌گیرد و می‌گوید که باید بروی وسیله‌ای بیاوری و آن را بکسل کنی و به راه خود ادامه می‌دهد.



همسر عبدالحسین با صدایی محزون و دلی شکسته مرتب تکرار می‌کرد: دستم به دامنت یا ام‌البنین! ما را از این گرفتاری نجات بده. عبدالحسین مجدداً برای به کار انداختن ماشین مشغول کار می‌شود و هنوز سوییچ را نچرخانده بود که صدای موتور بلند می‌شود و ماشین به بهترین وجه به حرکت درمی‌آید! آری، اتومبیل به سرعت باد می‌رفت تا اینکه به برکت حضرت ام‌البنین به منزل رسیدند. در راه همسر عبدالحسین این کلام را مدام تکرار می‌کرد:

یا اُمُّ الْبَنینِ دَخیلِکِ! (ربانی خلخالی، ۱۴۲۰ هـ.ق: ۵۵)

ای ام‌البنین! دستم به دامانت!

نتیجه‌گیری

از تحلیل و بررسی ویژگی‌ها و فضایل ام‌البنین روشن گردید این بانوی بزرگوار در رساندن پیام عاشورا به مردم عصر خویش سهمی شایسته داشته است او فریادش را به گوش زمان رساند تا صدایش همچون صدای رسای زینب کبری علیها السلام باشد. همچنان که مانند کوهی برافراشته، در برابرادهای سهمگین ایستادگی کرد تا در طول تاریخ از قیام حسینی حمایت نموده، از حقیقت و رسالت توحید محافظت کند ام‌البنین چه در زمان حیات امام علی علیه السلام و چه بعد از شهادت ایشان برای همسرش، زنی صمیمی، فداکار و با عفت بود. فرزندان فاطمه علیها السلام را بر فرزندان خود مقدم داشت و بخش عمده محبت و علاقه خود را متوجه آنان کرد. به تربیت درست فرزند بر اساس مکتب اهل بیت علیهم السلام توجه داشت، در عصر خود یکی از زنان با فضیلت، پرهیزگار، عابد، با تقوا و در شعر و حدیث سرآمد دیگران بود آن بانوی بزرگوار پس از حادثه جانسوز کربلا، بار رسالت سیاسی و اجتماعی خویش را در زنده نگه داشتن حماسه جاویدان عاشورای حسینی به زیباترین شکل ممکن به انجام رسانید، این بزرگ زن تاریخ اسلام در شمار زنانی است که تمام هستی خود را که چهار فرزندش بودند، در راه دین رهسپار جهاد با امام زمانش می‌کند، معرفت او در شمار معارف اعلی قرار دارد که امام زمانش را می‌شناسد و شرایط زمان را درک می‌کند و همه ماهیت وجودی خود را که چهار فرزند است با امام بدرقه کرد و

هرگز نگفت یکی برای من باشد، بلکه هر چهار تا را برای دین خدا و محض اطاعت امام و رهبر با امام همراه کرد وقتی از حادثه کربلا خبرها می شنید مدام می پرسید حسین فاطمه چه شد؟

او پس از حادثه کربلا و دریافت خبر شهادت چهار فرزندش همچو کوهی استوار و شکمیا، از خود جزع و فزعی نشان نداد. بلکه گفت: اینها همه فدای حسین علیه السلام باد، این امر حکایت از اخلاص کامل او به اهل بیت علیهم السلام، به خصوص امام حسین علیه السلام دارد. ام البنین را زنی ادیب و شاعری فصیح و اهل فضل و دانش دانسته اند؛ چنانکه قصاید و مرثیه هایی در مورد شهدای کربلا و امام حسین علیه السلام و چهار فرزند خویش که در کربلا شهید شدند سروده است که معرفت آموز است. ام البنین بعد از حادثه کربلا، به قبرستان بقیع رفته و در رثای حسین و یارانش و عباس و دیگر فرزندان مدیحه و نوحه سرایی و گریه می نمود و این خود ضمن اعتراض به وضع سیاسی و اجتماعی یاد شهدای کربلا و آرمان و ارزش ها و اهداف قیام کربلا را زنده می داشت، اگر چه جسم او در خاک است اما روح بلند او و صفات کریمه و عظیمه وی نام او را به بلندای آفتاب زنده نگاه داشته است و در پرتو صفات این بانوی فاضله انسان هایی تربیت شده اند که در تاریخ ماندگار بوده اند او در طول زندگی با برکت خویش، پیام رسان شهیدان راه فضیلت و تداوم بخش راه امامت بود و رسالت خویش را به طور کامل ادا کرد.



منابع

- آقاجانى قناد، على. (١٣٨٢). مادر فضيلت ها، قم: مركز پژوهش هاى صدا و سيما.
- ابن اثير جوزى، عزالدين. (بى تا). اسد الغابة فى معرفة الصحابة. تحقيق محمد ابراهيم بٹا و محمد احمد عاشور، بيروت: دارالشباب.
- ابن حجر عسقلانى. (١٤١٥هـ.ق). الاصابة فى تميز الصحابة.
- ابن حجر عسقلانى. (١٤١٥هـ.ق). تهذيب التهذيب. تحقيق شيخ عادل احمد عبدالموجود، شيخ على محمد معوض، بيروت: دارالكتب العلمية.
- ابن شهر آشوب. (بى تا). المناقب. قم: علامه.
- ابن عنبر. (١٣٦٢). عمدة الطالب. قم: رضى.
- ابن عنبر. (١٤١٧هـ.ق). عمدة الطالب. قم: صدر.
- ابوالفرج اصفهانى. (١٣٧٢). مقاتل الطالبين. تحقيق سيد احمد صقر، قم: شريف رضى.
- ابوفداء، عمادالدين اسماعيل. (١٤١٣هـ.ق). البداية والنهاية. بيروت: دار احياء التراث العربى.
- ابوفداء، عمادالدين اسماعيل. (بى تا). تاريخ ابوفداء (المختصر فى ابناء البشر). قاهره: مكتبة المتبى.
- الحائرى، شيخ محمد مهدى. (بى تا). معالى السبطين. بيروت: مؤسسه النعمان.
- المقرم، عبدالرزاق. (بى تا). العباس. بى جا: شريف رضى.
- المقرم، عبدالرزاق. (١٣٦٩ق). قمر بنى هاشم، نجف اشرف: حيدر يه.
- امين، سيد محسن. (١٤٠٣هـ.ق). اعيان الشيعة. بيروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- امين، سيد محسن. (١٣٩٨هـ.ق). المجالس السنيه. بيروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- امين، سيد محسن. (١٩٩٦م). لواعج الاشجان فى مقتل الحسين عليه السلام. تحقيق سيد حسن امين، بيروت: دار الامير.
- بخارى، ابى نصر. (١٣٨١هـ.ق). سز السلسله العلوية، با تعليق سيد محمد صادق

- بحرالعلوم، قم: چاپخانه نهضت.
- تستری (شوشتری)، محمدتقی. (۱۴۱۵ ه.ق). قاموس الرجال. قم: مؤسسه انتشارات اسلامی.
- الجعفری، الزهیر. (۱۳۸۶). تاریخ و رجال: شخصیت و موقعیت البنین در اسلام، میقات حج، ش ۶۲.
- جعفرزاده، جلیل. (۱۳۹۴). بانوی ادب، حضرت ام البنین، ری: سمیع.
- دخیل، علی محمد. (۱۴۰۱ ه.ق). العباس. بیروت: مؤسسه اهل بیت علیهم السلام.
- ربانی خلخالی، علی. (۱۳۷۸). ستاره درخشان مدینه حضرت ام البنین علیها السلام. قم: مکتب الحسین علیه السلام.
- سالکی، محمد علی. (۱۳۸۲). ام البنین، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- سماوی، محمد بن طاهر. (۱۳۴۱ ه.ق). ابصار العین فی انصار الحسین علیهم السلام. نجف اشرف: چاپخانه حیدریه.
- سماوی، محمد بن طاهر. (۱۳۷۷). تحقیق شیخ محمد جعفر طوسی. قم: مرکز تحقیقات اسلامی سپاه.
- سویح، خطیب مهدی. (۱۳۷۷ ه.ق). ام البنین علیها السلام سیده نساء العرب. قم: امیر.
- شبّر، جواد. (۱۴۰۹ ه.ق). ادب الطف او شعراء الحسین علیهم السلام. بیروت: دار المرتضی.
- شیخ صدوق. (۱۳۸۵ ه.ق). علل الشرایع. نجف: حیدری.
- شیخ طوسی. (۱۳۸۰ ه.ق). رجال شیخ طوسی. نجف: رضی.
- شیخ طوسی. (۱۴۱۵ ه.ق). رجال شیخ طوسی. تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم: جامعه مدرسین.
- صفایی حائری، عباس. (۱۳۷۹). تاریخ سید الشهداء. قم: مسجد جمکران.
- طبرسی، حسن بن فضل. (۱۴۱۷ ه.ق). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.
- طبری، ابی جعفر محمد بن جریر. (بی تا). تاریخ طبری. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عبدالامیر انصاری، محمد رضا. (۱۳۷۵). ام البنین نماد از خودگذشتگی. برگردان:

- موسی دانش، مشهد: آستانقدس رضوی.
- قمی، شیخ عباس. (۱۴۲۱ ه.ق). نفس المهموم. بی جا: مکتبه الحیدریه.
- کحّاله، عمررضا. (۱۴۰۴ ه.ق). اعلام النساء فی عالمی العرب و الاسلام. بی جا: مؤسسه رسالت.
- کمپانی، محمدحسین. (۱۳۳۸). دیوان کمپانی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مامقانی، شیخ عبدالله. (۱۳۵۰ ه.ق). تنقیح المقال فی احوال الرجال. نجف.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ ه.ق). بحارالانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محلاتی، ذبیح الله. (۱۳۶۸ ه.ق). ریاحین الشریعة. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مدرسی، سید محمدتقی. (۱۳۸۲). ام البنین علیها السلام قدوة الایمان و الاستقامه، دار محبی الحسين علیه السلام.
- مسعودی، علی بن حسین. (۱۳۷۴). مروج الذهب و معادن الجواهر. برگردان: ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب. (۱۳۷۲). تاریخ یعقوبی. بیروت: دار صادر.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی